

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۶ نومبر ۲۰۲۱

"تفت نرسیده، جوش آمد"

به مناسبت فرمان خاینانه "ملا حسن"



دوشنبه- ۲۴ عقرب ۱۴۰۰- کابل: همان طوری که در فرمان صادره به امضای "رئیس الوزاری" نظام "ملاسالار" می بینید، این جاسوس و نوکر پنجابی ها، در حالی که جهان آنها را زیر فشار ایجاد اداره همه شمول و فراگیر قرار داده و سرپرست وزارت خارجه اش "ملا متقی" تلاش می ورزد تا با معرفی چند کاتب و سرکاتب از اقوام مختلف در ادارات، ساختار حاکمیت شان را بر مبنای برداشت خاص خودشان از مفهوم فراگیر، فراگیر معرفی دارد، این بوزینه ننگ پشتونها، قبل از آن که حتا مردم افغانستان و جهان ادعای اولی آنها را بپذیرد، شروع به حذف زبان فارسی-دری و در نتیجه متکلمین آن زبان از حاکمیت و اشتغال در ادارات نموده است، در یادداشت امروز مکت کوتاهی در همین زمینه داریم:

۱- از آن جایی که در بستر تاریخ بیشتر بخش کشور های شناخته شده آنروز در قاره های آسیا و اروپا و شمال شرق افریقا از ستانبول گرفته تا سنکیانگ و از تاشکند، سمرقند و بخارا گرفته تا دکن در جنوب هند و داکا پایتخت بنگله دیش، همه شامل حوزه فرهنگی زبان فارسی-دری بود و در اکثر این مناطق، همین زبان بستر و محور مشترک صد ها قوم با زبان های خاص خودشان به شمار می رفت و حاکمیت ها عموماً بر مبنای همین فرهنگ و زبان آن شکل

گرفته، حکمرانی می نمودند، تاریخ به ما می آموزاند که به محض هجوم استعمار بر این خطه تمام نیروهای مهاجم، نخستین هدف شان را زدودن و برداشتن زبان "فارسی-دری" و در نتیجه جهت گسترش فرهنگ استعماری، ایجاد خلأ فرهنگی در تمام حوزه فرهنگی فارسی-دری بوده است.

تاریخ به ما می آموزاند علی رغم اختلافاتی که در درازنای تاریخ بین انگلیس ها و روس ها، بین انگلیس ها و ترکها و بین روسها و ترکها وجود داشته، در یک مسأله همه آنها به مثابه دشمنان حوزه فرهنگی "فارسی-دری" موضع مشترک داشته اند؛ مسأله ای زدودن و از بین زبان "فارسی-دری" در ادارات و در دوام آن جایگزین ساختن زبان ها و فرهنگ های خودشان به جای فرهنگ و زبان فارسی - دری.

امری که به موازات هم در تمام متصرفات روسیه تزاری، بریتانیای کبیر و ترکان عثمانی، با شدت و حدت پیش برده شده، با هزار و یک نیرنگ قادر شدند، زبان و فرهنگ فارسی-دری را از قسمت های وسیع این حوزه فرهنگی از میان برداشته و نگذارند تا باز هم هندوستان زادگاه و پرورشگاه بیدل ها و صائب ها، ترکیه جولانگاه مولانا ها و کشور های آسیای میانه مهد سخنسرایان پارسی گوی باقیماند.

۲- طالب و نظام ملاسالار که در وابستگی اش به امپریالیسم و ارتجاع و به نمایندگی از همه آنها سرمایه دلال پنجابی، هیچ شکی وجود ندارد، به محض انتصاب به حاکمیت از جانب امپریالیسم و ارتجاع بدرستی بزرگترین، خطرناکترین و دیرپاترین دشمن را در وجود فرهنگ فارسی-دری و زبان فارسی - دری تشخیص نموده، جهت استقرار و استمرار حاکمیت دست نشاندۀ نظام ملا سالار به پیروی از اجداد معنوی شان انگلیس استعمارگر چنین فرمانی را صادر می نماید.

صدور چنین فرمانی از جانب یک حاکمیت دست نشاندۀ و مزدور در حذف زبان "فارسی-دری" در خطۀ افغانستان نه بار اول است و نه هم بار آخر خواهد ماند. به همان سان که پروژه حذف زبان فارسی - دری در گذشته از همان آغاز حاکمیت خاندان غدار و وطنفروش طلائی و تلاشهای خاینانه و مذبوحانۀ محمد گل مومند، ناکام ماند، مطمئناً باز هم ناکام خواهد ماند.

۳- با در نظر داشت این که نظام ملاسالار تا اعلام قانون اساسی جدید، قانون اساسی ظاهرشاهی را مدار اعتبار دانسته و در آن قانون زبان فارسی-دری همزمان با زبان پشتو به مثابه زبانهای رسمی افغانستان به رسمیت شناخته شده است، باید نوشت که فرمان "ملاحسن" ضد قانونی و بی اعتبار می باشد.

از همه مهمتر با استناد به تاریخ این کشور، این را می دانیم که یکی از بزرگترین افتخارات و خط قرمزی که آنها را از حاکمیت اشغالگران و استعمارگران متمایز ساخته و به حاکمیت های آنها هویت مستقل می بخشید از سلسله خراسانی طاهریان شروع و بقیه سلسله های خراسانی الی غوریان، زبان "فارسی-دری" وجه مشخصۀ آنها به شمار می رفت، در نتیجه صدور چنین فرمانی به صورت مستقیم نفی سلسله های خراسانی، نفی جنبش های آزادیبخش آنها علیه سلطۀ اعراب و زیر پای نمودن حق و خون ده ها و صد ها هزار جانباز پست که خون آنها در نهایت به ایجاد کشور افغانستان انجامیده است.

۴- این که "ملا حسن" وطفروش و نظام "ملا سالار" چرا چنین فرمانی را صادر نموده و موجودیت زبان فارسی-دری در ادارات کدام جای وی را تنگ نموده، یکی از مسائلی است که به تحقیق جداگانه نیاز دارد، زیرا از شکست اسلامگرایی آنها در مقابل داعش گرفته، تا اجرای دستور پنجابی ها جهت حاکم ساختن پشتو زبانهای پاکستانی در ادارات افغانستان و همچنان از عقدۀ حقارتی که این باند وطنفروش در قبال فرهنگ پربرار "فارسی-دری" احساس می نمایند تا جذب کمک شووینست های افغان ملتی، می تواند همه دلایل صدور چنین حکم ارتجاعی، ضد ملی، تفرقه

افکنانه و خاینانه باشد، آنچه برای ما مهم است نباید این حرکت خاینانه نظام ملاسالار را به پشتون ها نسبت داده، رویه بالمثل نمایم.

باید بکوشیم جهت خنثا ساختن این توطئه امپریالیستی- ارتجاعی، به تمام زبانهایی که در کشور ما تکلم می شود ارج گذاشته، در حد توان آنها را فراگیریم. زبان پشتو و فارسی- دری را یک روح در دو جسم دانسته، به نوکران استعمار به هر رنگ و شمایی که ظاهر شوند، فرصت ندهیم تا بین مردم ما نفاق انداخته، از آن طریق کشور ما را دو دسته تقدیم استعمارگران پنجابی و یا بقیه جهان نمایند.

هموطنان گرامی!

افغانستان بدون زبان فارسی- دری یعنی زدودن تاریخ این کشور از نخستین روز های ایجاد سلسله طاهریان و صفاریان تا امروز که همه به زبان فارسی دری نگارش یافته و باشندگان آن در چنین گستره زمانی با همین زبان سخن گفته، علیه اشغالگران عرب جانبازی و فداکاری نموده اند. این یعنی طالب و نظام ملاسالار و در رأس آنها خاین معروف "ملاحسن"، تصمیم دارند تا همزمان با فروش افغانستان به پنجابی ها در حال حاضر، بر تاریخ این کشور نیز خط بطلان بکشند. اینجاست که دفاع از زبان "فارسی- دری" دفاع از تاریخ کشور می گردد.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!